

شناسایی عوامل تعیین‌کننده فقر چندبعدی در مناطق روستایی ایران

علی یوسفی* - استادیار گروه توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه صنعتی اصفهان
شکیبا مهدیان^۲ - کارشناس ارشد توسعه روستایی، گروه توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه
صنعتی اصفهان
سکینه خلج^۳ - کارشناس ارشد توسعه روستایی، گروه توسعه روستایی، دانشکده کشاورزی، دانشگاه
صنعتی اصفهان

دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۲۳ پذیرش نهایی: ۱۳۹۴/۱۰/۱

چکیده

یکی از مهم‌ترین مشکلات برنامه‌های فقرزدایی که مانع از موفقیت آنها در سطوح ملی و بین‌المللی شده، نگاه تک‌بعدی مبتنی بر درآمد به این پدیده است. هدف پژوهش حاضر، سنجش شاخص فقر چندبعدی در مناطق روستایی ایران و شناسایی عوامل تعیین‌کننده آن در سه گروه ویژگی‌های منطقه‌ای و ارتباطی، جمعیتی (اجتماعی) خانوار و اقتصادی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه خانوارهای ساکن مناطق روستایی کشور تشکیل می‌دهند. داده‌های مورد نیاز پژوهش حاضر مبتنی بر داده‌های خام سرشماری عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار سال ۱۳۸۵ است. نتایج این بررسی نشان دادند که ۲۱/۴ درصد خانوارهای روستایی فقیرند و میانگین محرومیت خانوارهای فقیر ۳۱/۵ درصد است. بررسی عوامل مؤثر بر فقر خانوارها با استفاده از رگرسیون لجستیک نشان داد که سواد، جنسیت، تحصیلات، وضع زناشویی، شغل و سن سرپرست خانوار، منبع تأمین آب آشامیدنی، نحوه دفع فاضلاب توالی، تملک واحد مسکونی، تعداد فرزندان، بار تکفل، تعداد افراد باسواد خانوار، موقعیت جغرافیایی، و نوع تابعیت خانوار تأثیر معناداری بر فقر خانوارهای روستایی دارند.

کلیدواژه‌ها: خانوارهای روستایی، رگرسیون لجستیک، روش آلکابر و فوستر، شاخص ترکیبی، فقر چندبعدی.

مقدمه

فقر، قوی‌ترین و شایع‌ترین مصیبتی است که بشر همواره با آن دست‌به‌گریبان بوده و جوامع انسانی را گرفتار خود کرده است (گالبرایت، ۱۳۷۱، ۱؛ Laderchi et al., 2003, 2). این معضل مرز نمی‌شناسد و تمامی نظام‌های اقتصادی را در هر جای دنیا به مبارزه می‌طلبد. با آنکه حکومت‌های زیادی در طول تاریخ برای ریشه‌کن کردن این پدیده شوم تلاش کرده‌اند، این مسئله هنوز به‌عنوان مهم‌ترین معضل در بسیاری از کشورها خودنمایی می‌کند. با وجود موفقیت برخی برنامه‌های مبارزه با فقر در جهان، به‌ویژه در شرق آسیا، در حدود ۱/۴ میلیارد نفر از جمعیت جهان درآمد کمتر از ۱/۲۵ دلار در روز دارند و بیش از ۱ میلیارد نفر نیز از گرسنگی رنج می‌برند. در زمان حاضر، بیش از ۳/۱ میلیارد نفر (۵۵ درصد) از جمعیت کشورهای در حال توسعه و کمتر توسعه‌یافته در نواحی روستایی زندگی می‌کنند و بیش از ۷۰ درصد از فقرا روستایی‌اند (Heinemann et al., 2011, 47). در ایران ۲۸/۵ درصد جمعیت در روستاها ساکن‌اند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰) و بررسی‌ها نشان می‌دهند که فقر در نواحی روستایی بیش از شهری است (محمودی، ۱۳۸۱، ۵۴؛ نجفی و شوشتریان، ۱۳۸۴، ۱۳؛ خلج و یوسفی، ۱۳۹۲، ۴۹).

تک‌بعدی دانستن فقر (پایین‌بودن سطح درآمد) سبب شده است که دولت‌ها تصویر درستی از این پدیده نداشته باشند و به همین دلیل بسیاری از برنامه‌های فقرزدایی با شکست مواجه شده است. این مسئله توجه بسیاری از اندیشمندان را به خود جلب کرده و آنان را به ایجاد رهیافت‌های جدیدی در این حوزه واداشته است. از جمله این رهیافت‌ها می‌توان به رهیافت قابلیت‌های انسانی اشاره کرد، که زمینه‌ساز طرح شاخص فقر چندبعدی^۱ (MPI) دفتر عمران سازمان ملل متحد در گزارش‌های سالیانه توسعه انسانی شد (Alkire & Santos, 2010, 6; Alkire et al., 2011, 6). اگرچه دفتر عمران سازمان ملل متحد این شاخص را برای بیش از ۱۰۵ کشور دنیا محاسبه می‌کند، این شاخص تاکنون برای ایران ارائه نشده است. در پژوهش حاضر به دنبال ارزیابی شاخص فقر چندبعدی در مناطق روستایی و شناسایی عوامل مؤثر بر آن

هستیم. نتایج این مطالعه می‌تواند در ارائه تصویر صحیح از وضعیت فقر در مناطق روستایی کشور و راهکارهای مبارزه با این پدیده به دولتمردان کمک کند.

مبانی نظری

امحای کامل فقر نیاز به برنامه‌ای بلندمدت و مستمر دارد که پیش‌درآمد آن شناسایی ابعاد و عوامل اثرگذار بر فقر است (Haughton & Khandker, 2009, 3; Tsui, 2002, 69). به‌منظور مقابله با این پدیده ضروری است که ابعاد و فرایندی که منجر به تشدید آن می‌شوند، شناخته شوند. پرسشی که در این زمینه همواره مطرح بوده این است که چگونه فقرا را شناسایی کنیم. آمارتیا سن این مسئله را به دو موضوع تقسیم کرده است: ۱. شناسایی فقر و محرومیت؛ ۲. تجمیع میزان محرومیت فقرا در یک شاخص کلی. درخصوص موضوع نخست، تاکنون تأکید بر اهمیت فقر درآمدی بوده و فردی فقیر تلقی می‌شده که درآمد یا مصرفش کمتر از سطح مشخصی (خط فقر) است. در زمینه روش تجمیع نیز شاخص‌های سرشماری و شدت فقر پیشنهاد شده‌اند (Sen, 1976, 219).

پژوهش‌های متعددی در زمینه سنجش فقر در کشور با تمرکز بر رویکرد درآمدمحور انجام شده است، که از آن جمله می‌توان به پژوهش محمودی (۱۳۸۱) اشاره کرد. وی با بررسی فقر طی سال‌های ۷۳-۱۳۶۸ با استفاده از داده‌های هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران به این نتیجه رسید که فقر در طول این دوره در کل کشور و نواحی روستایی افزایش یافته اما با وجود افزایش نرخ فقر در نواحی شهری، وضعیت فقیرترین فقرا در این بخش بهبود یافته است. غروی نخجوانی (۱۳۸۴) با استفاده از داده‌های طرح درآمد و هزینه خانوار نشان داد که وضعیت اقتصادی خانوارهای ایرانی طی سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۲ نگران‌کننده بوده و خانوارها به‌شکل فزاینده‌ای تحت فشارهای اقتصادی بوده‌اند. پژوهش دیگری نشان داد که طی سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۳ جمعیت زیر خط فقر، شکاف فقر و شدت فقر در مناطق شهری و روستایی کاهش یافته است (راغفر و ابراهیمی، ۱۳۸۶، ۷۴). نجفی و شوشتریان (۱۳۸۶) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که فقر در بخش روستایی ابعاد بزرگ‌تری داشته است و از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های فقر به بعد خانوار و بار تکفل اشاره کردند.

تاکنون بیشتر مطالعات فقر در نواحی روستایی کشور به صورت تک‌بعدی و صرفاً براساس معیار درآمد یا هزینه بوده است (طالب و همکاران، ۱۳۸۹، ۳۵). این درحالی است که بسیاری از اندیشمندان توسعه - از جمله آمارتیا سن- دریافتند که علت اصلی فقر، کمبود یا نبود درآمد نیست، بلکه نبود قابلیت لازم برای خروج از وضعیت فقر است (Sen, 1999, 15; Sen, 2004, 43). بنابراین، انتقادهای زیادی بر رویکرد درآمدمحور وارد شد. این انتقادات بیشتر بر موضوعاتی نظیر ماهیت ابزاری بودن درآمد و نه هدف غایی بودن آن، ضرورت سنجش میزان دستیابی افراد در مقایسه با برخوردارانی آنها، شکست بازار و شمول‌ناپذیری کالاهای غیربازاری نظیر کالاهای عمومی، و اهمیت جنبه‌های غیردرآمدی زندگی در بهروزی جوامع متمرکز شدند و بر ماهیت چندبعدی بودن فقر تأکید داشتند (Tsui, 1995, 251; Nolan & Whelan, 1996, 125; Bourguignon & Chakravarty, 2003, 43). باید در نظر داشت که سنجش درآمدی فقر فقط شرط لازم برای شناسایی فقر است و نه کافی. از این رو، به جای سنجش سطح توسعه و فقر بر مبنای رهیافت درآمدمحور، رهیافت قابلیت‌های انسانی مطرح شد و مواردی همچون بی‌سوادی، سوءتغذیه، مرگ‌ومیر کودکان و مانند آن، که از جنبه‌های غیردرآمدی به‌شمار می‌آیند، مورد توجه قرار گرفتند (محمودی و صمیمی‌فر، ۱۳۸۴). با وجود مقبولیت اهمیت سنجش فقر چندبعدی، از منظر روش‌شناسی توافق چندانی وجود ندارد. در این زمینه موضوعات چالش‌برانگیزی نظیر نحوه انتخاب ابعاد و معرف‌های فقر، ساختار وزن‌دهی ابعاد و معرف‌ها، شیوه تجمیع و محاسبه شاخص ترکیبی، و معیار تعیین خط فقر و محرومیت مطرح شد (Ravallion, 2011, 235; Coromaldi & Zoli, 2012, 39).

دفتر عمران سازمان ملل متحد از سال ۲۰۱۰ شاخص فقر چندبعدی جدیدی را با استفاده از روش آلکایر و فوستر و مبتنی بر دیدگاه قابلیت ارائه کرد. این شاخص دارای سه بعد آموزش، سلامت و استاندارد زندگی است که با استفاده از ۱۰ معیار اندازه‌گیری می‌شود (Alkire & Foster, 2009; Alkire et al., 2011). در این شاخص میزان محرومیت خانوارها در معرف‌های مختلف سنجیده می‌شود و سپس میزان و شدت فقر ارزیابی می‌شود. از نتایج مهم این گزارش، میزان شمول و عدم‌شمول فقرا براساس معیارهای درآمدی و چندبعدی بود. گزارش سال ۲۰۱۰

نشان داد که درآمد مردم کشورهای ازبکستان و تانزانیا به ترتیب ۴۶ و ۳۹ درصد کمتر از ۱/۲۵ دلار است؛ ولی برپایه شاخص فقر چندبعدی در ازبکستان فقط ۲ درصد و در تانزانیا ۹۰ درصد افراد فقیرند که نشان از هم‌پوشانی ناچیز این روش‌ها دارد (Alkire & Santos, 2010, 40) و بیان‌کننده این واقعیت است که رویکرد درآمدمحور منعکس‌کننده تمامی واقعیت‌های فقر نیست (Caizhen, 2010, 409).

ضعیف‌ترین بخش تحلیل پدیده فقر که آن را نیمه گم‌شده می‌نامند، شناخت عوامل مؤثر بر فقر است (White & Booth, 2003, 82). فقر می‌تواند وابسته به عوامل ملی، منطقه‌ای، خانواده‌ای یا ویژگی‌های فردی باشد. مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده فقر را می‌توان در سه گروه ویژگی‌های منطقه‌ای و ارتباطی، جمعیتی (اجتماعی)، خانوار، و اقتصادی ارزیابی کرد (Haughton & Khandker, 2009, 145). در زمینه شناسایی عوامل مؤثر بر فقر، پژوهش جدا و همکاران (۲۰۰۵) در کنیا نشان داد که وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی با سطح آموزش، بعد خانوار، و اشتغال در بخش کشاورزی مرتبط است (Geda et al., 2005, 14). هشمی و سیال (۲۰۰۸) در پنجاب پاکستان نشان دادند که احتمال فقیربودن خانوار با افزایش بعد خانوار و بار تکفل بالا می‌رود، و با افزایش سطح آموزش، تعداد احشام خانوار و مزرعه‌داربودن کاهش می‌یابد (Hashmi & Sial, 2008, 919). آچیا و همکاران (۲۰۱۰) در بررسی خانوارهای شهری و روستایی کنیا به این واقعیت دست یافتند که از جمله متغیرهای مؤثر بر فقر این خانوارها عواملی مانند سن سرپرست خانوار، اندازه خانوار، تعداد احشام و آموزش است (Achia et al., 2010, 49). با توجه به انجام‌نشدن پژوهشی در زمینه سنجش فقر مبتنی بر رویکرد قابلیت در نواحی روستایی کشور (طالب و همکاران، ۱۳۸۹، ۳۵)؛ این پژوهش به دنبال اندازه‌گیری فقر چندبعدی و بررسی عوامل مؤثر بر آن در مناطق روستایی است. مدل مفهومی این بررسی در شکل ۱ نشان داده شده است.

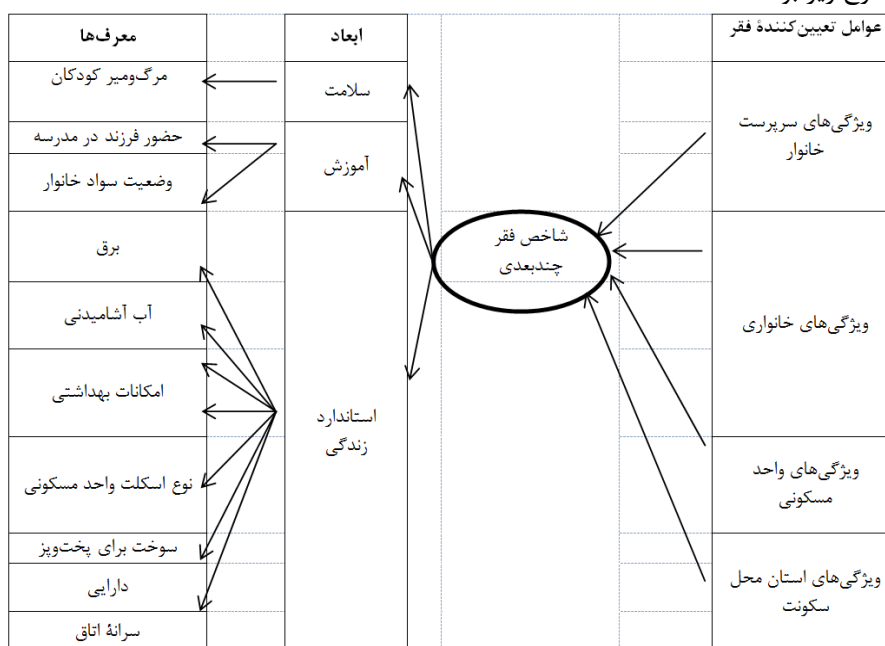
روش‌شناسی تحقیق

سنجش فقر چندبعدی

جامعه آماری پژوهش حاضر، کلیه خانوارهای روستایی ساکن در کشورند. داده‌های مورد نیاز را

۲۰ درصد داده‌های خام سرشماری عمومی نفوس و مسکن مرکز آمار سال ۱۳۸۵ تشکیل می‌دهند که در سایت مرکز آمار به تفکیک استان‌ها در قالب دو فایل خانواری و فردی در دسترس‌اند.

در بررسی حاضر، ۱۴۳۶۵۶ خانوار روستایی بررسی شدند. مراحل سنجش فقر چندبعدی به شرح زیر بود:



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

۱. انتخاب واحد تحلیل فقر

مطابق با رویکرد سازمان ملل، واحد تجزیه و تحلیل در پژوهش حاضر خانوار است.

۲. انتخاب ابعاد فقر

معرف‌های هر بعد و آستانه محرومیت هر معرف: ابعاد انتخاب‌شده در پژوهش حاضر مشابه با ابعاد شاخص فقر برنامه عمران سازمان ملل متحد است. معرف‌ها نیز با توجه به معرف‌های شاخص فقر گزارش برنامه عمران سازمان ملل متحد، داده موجود در سرشماری عمومی نفوس

و مسکن مرکز آمار، پژوهش‌های مشابه، و اهداف توسعه هزاره انتخاب شدند (Alkire, 2007). این ابعاد و معرف‌ها در جدول ۱ آورده شده‌اند.

۳. محاسبه تعداد فقرا، شدت فقر و نسبت سرشمار تعدیل‌شده

رویکرد به‌کار گرفته‌شده در پژوهش حاضر برای سنجش فقر چندبعدی مبتنی بر روش آلکایر و فوستر است.

این روش نسبت سرشمار تعدیل‌شده یا $M0$ نامیده می‌شود (Alkire et al., 2011) که مبانی نظری آن به شرح زیر است:

جدول ۱. ابعاد و معرف‌های در نظر گرفته‌شده در شاخص فقر چندبعدی

ابعاد	معرف‌ها	خانوار محروم است اگر...
سلامتی	مرگ‌ومیر کودکان	حداقل مرگ‌ومیر یک کودک زیر پنج سال داشته باشد.
آموزش	حضور فرزند در مدرسه	حداقل یکی از فرزندان ۶ تا ۱۴ ساله خانوار تحصیل نکنند.
	وضعیت سواد خانوار	هیچ‌یک از افراد خانوار، دوره ابتدایی یا نهضت را به پایان نبرده باشند.
استاندارد زندگی	برق	در واحد مسکونی برق وجود نداشته باشد.
	آب آشامیدنی	منبع تأمین آب آشامیدنی خانوار بهسازی‌نشده یا از رودخانه، برکه و مانند اینها باشد.
	امکانات بهداشتی	در واحد مسکونی توالت وجود نداشته باشد.
	نوع اسکلت واحد مسکونی	جنس واحد مسکونی از خشت و چوب یا خشت و گل باشد.
	سوخت برای پخت‌وپز	خانوار برای پخت‌وپز از سوخت جامد (هیزم، زغال چوب، کود حیوانی و مانند اینها) استفاده کند.
	دارایی	حداقل یکی از دارایی‌های خودروی سبک، موتورسیکلت، رایانه و تلفن را نداشته باشد.
	سرانه اتاق	بیشتر از ۳ نفر در یک اتاق زندگی کنند.

n تعداد افراد جامعه و $d \geq 2$ تعداد معرف‌های مد نظر در شاخص فقر است. $y = [y_{ij}]$ ماتریس $n \times d$ میزان دستیابی افراد جامعه به معرف‌های مدنظر را نشان می‌دهد که $y_{ij} \geq 0$ میزان دستیابی فرد i ($i=1, \dots, n$) را در معرف j ($j=1, \dots, d$) نشان می‌دهد. به عبارتی، بردار

ردیفی y_i میزان کل دستیابی فرد i ام و بردار ستونی y_i میزان توزیع معرف زام را بین تمامی افراد نشان می دهد. دامنه ماتریس دستیابی برابر با $Y = \{y \in R_+^{nd}; n \geq 1\}$ است. $z_j \geq 0$ نشان دهنده سطح آستانه محرومیت در معرف زام است؛ در صورتی که سطح دستیابی فرد کمتر از این حد باشد، در این معرف محروم در نظر گرفته می شود. بردار ردیفی z سطح آستانه محرومیت ها را نشان می دهد. روش اندازه گیری چندبعدی فقر از دو مرحله شناسایی و محاسبه شاخص ترکیبی تشکیل شده است. تابع شناسایی $\rho: R_+^d \times R_+^d \rightarrow \{0,1\}$ با استفاده از بردار دستیابی فرد $y_i \in R_+^d$ و بردار سطح آستانه z در R_+^d ، در صورتی که $\rho = (y_i, z) = 1$ باشد؛ فرد محروم تلقی می شود و در شرایط $\rho = (y_i, z) = 0$ ، عدم محرومیت را نشان می دهد. به کار بستن ρ به بردار دستیابی هر یک از افراد، مجموعه $Z \subseteq \{1, \dots, n\}$ از افراد محروم در y به ازای مقادیر معین z را ارائه می کند. به ازای مقادیر معین y ، ماتریس $g^0 = [g_{ij}^0]$ متشکل از اعداد صفر و یک است: اگر $y_{ij} \leq z_j$ باشد آنگاه $g_{ij}^0 = 0$ ؛ در غیر این صورت، $g_{ij}^0 = 1$ در نظر گرفته می شود. به عبارتی، g^0 ماتریس $n \times d$ است که عنصر z ام آن در صورتی یک خواهد بود که فرد i ام در معرف زام محروم باشد. نامین بردار ردیفی g^0 (که آن را g_i^0 می نامیم) محرومیت های فرد i ام را نشان می دهد. از ماتریس g^0 بردار ستونی جمع محرومیت ها c حاصل می گردد که عنصر i ام آن $c_i = |g_i^0|$ ، تعداد محرومیت هایی را که فرد i ام با آن مواجه است، نشان می دهد. در شناسایی فقرا، در صورتی که میزان محرومیت های فرد بیش از حد مشخصی باشد، فقیر تلقی می شود. به ازای مقدار معین $\rho_k(y_i; z) = 1$ ، تابع شناسایی فقرا به این صورت تعریف می شود که $\rho_k(y_i; z) = 0$ و $c_i \geq k$ در صورتی که $c_i < k$ باشد. به عبارتی، ρ_k تعیین می کند که فرد i ام فقیر است در صورتی که در حداقل k معرف محروم باشد. در مرحله بعد، درصد جمعیت فقرا و شدت فقر محاسبه می شود. درصد فقرا $H = H(y; z)$ به صورت $H = q/n$ و $q = q(y; z) = \sum_{i=1}^n \rho_k(y_i; z)$ تعریف می شود. برای محاسبه شدت فقر، مجموع بردار سانسور شده محرومیت ها $c(k)$ را که در آن $c_i(k) = \rho_k(y_i; z)c_i$ است، به دست می آوریم.

$$A = |c(k)| / (qd)$$

میانگین شدت فقر میان فقرا برابر با

$$M_0 = H \cdot A$$

برابر با حاصل ضرب میزان (H) و شدت فقر (A).

است. نسبت سرشمار تعدیل شده (M0)

شناسایی عوامل تعیین‌کننده فقر

به منظور بررسی عوامل مؤثر بر فقر، با توجه به اینکه متغیر وابسته یک متغیر موهومی دو حالتی فقیربودن یا نبودن خانوار یا سه حالتی (فقیربودن یا نبودن خانوار و در آستانه فقیربودن خانوار) را نشان می‌دهد، از مدل رگرسیون لجیت استفاده شد. فرم خطی رگرسیون لجیت به صورت رابطه ۱ نوشته می‌شود.

$$L_i = \ln \left(\frac{P_i}{1 - P_i} \right) = \beta_0 + \beta_1 x_1 + \beta_2 x_2 + \beta_3 x_3 + \dots + \beta_k x_k + u_i \quad (1)$$

این مدل رگرسیونی نسبت به پارامترها خطی است و وابسته به تغییرات متغیر x از $-\infty$ تا $+\infty$ تغییر می‌کند. P_i احتمال فقیربودن خانوار و $(1 - P_i)$ احتمال فقیرنبودن خانوار را نشان می‌دهد. L_i به نام لجیت معروف است و لگاریتم نسبت فقیربودن به غیرفقیربودن خانوار را نشان می‌دهد. در این مدل، پارامترهای β_1 تا β_k ضرایب رگرسیون، β_0 مقدار ثابت و u_i جزء اخلال مدل رگرسیونی را بیان می‌کند.

عوامل تعیین‌کننده فقر در سه گروه ویژگی‌های منطقه‌ای و ارتباطی، جمعیتی (اجتماعی) خانوار و اقتصادی بررسی می‌شوند. به منظور بررسی خصوصیات منطقه‌ای، براساس میزان و شدت فقر چندبعدی مناطق روستایی استان‌های کشور با استفاده از روش خوشه‌بندی^۱ UPGMA با استفاده از معیار شباهت مربع فاصله اقلیدسی، ۴ گروه همگن دسته‌بندی و در مدل رگرسیونی وارد شدند. زیرساخت‌های واحد مسکونی خانوار، از قبیل نحوه دفع فاضلاب توال، آشپزخانه محل سکونت خانوار، و منبع تأمین آب آشامیدنی خانوار در نظر گرفته شدند. از ویژگی‌های جمعیتی خانوار، متغیرهای سن، جنسیت، وضع زناشویی و تحصیلات سرپرست خانوار، تعداد فرزندان، تعداد افراد خانوار، تعداد افراد

1. Unweighted pair group method with arithmetic mean

باسواد خانوار، بار تکفل، وجود فرد معلول در خانوار، مذهب و تابعیت خانوار به‌عنوان عوامل تعیین‌کننده فقر بررسی می‌شوند. برای بررسی ویژگی‌های اقتصادی خانوار، از دو متغیر نحوه تملک محل سکونت خانوار و شغل سرپرست خانوار بهره گرفته شد.

به منظور انتخاب بهترین مدل رگرسیونی براساس مقادیر مختلف خط فقر دوم، از شاخص‌های AIC و BIC استفاده شد. در الگوی لاجیت ضرایب برآوردشده اولیه، فقط علائم تأثیر متغیرهای توضیحی را بر احتمال فقیر بودن خانوار نشان می‌دهند. به‌منظور تفسیر نتایج مدل رگرسیونی از نسبت احتمال و درصد این نسبت استفاده شد. تحلیل داده‌های پژوهش با استفاده از بسته‌های نرم‌افزاری Excel، Spss، Stata و ArcGis انجام شد.

یافته‌ها

فقر چندبعدی در مناطق روستایی

جدول ۲ نتایج محاسبه شاخص فقر چندبعدی را در مناطق روستایی با استفاده از داده‌های خام سرشماری سال ۱۳۸۵ نشان می‌دهد. براساس نتایج جدول مذکور، ۲۱/۴ درصد خانوارهای روستایی فقیرند (H) و میانگین محرومیت خانوارها (شدت فقر، A) ۳۱/۵۶ درصد و مقدار شاخص فقر چندبعدی (MPI) ۰/۰۷ است.

جدول ۲. شاخص فقر چندبعدی در مناطق روستایی

شاخص فقر چندبعدی (MPI)	میزان فقر (H)	شدت فقر (A)	مناطق روستایی
۰/۰۷	۲۱/۴۶	۳۱/۵۶	

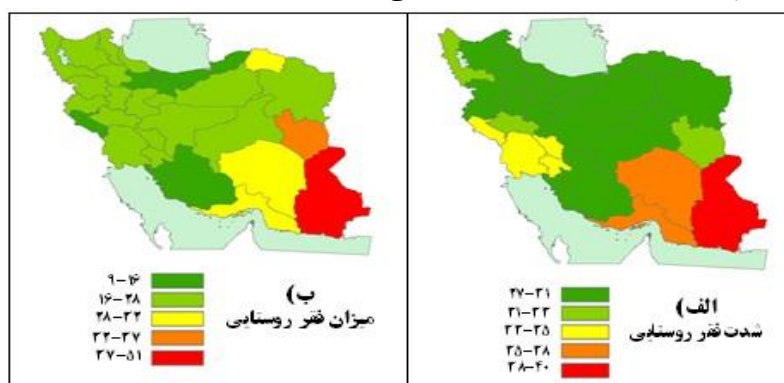
ارزیابی میزان محرومیت خانوارها در معیارهای مختلف نشان می‌دهد که بیشترین میزان محرومیت خانوارهای روستایی در معیار دارایی با ۲۳/۱۰ درصد محرومیت است (جدول ۳). جنس اسکلت واحد مسکونی بیش از ۲۱ درصد خانوارها از خشت و چوب یا خشت و گل است. با وجود آنکه ۲۰ درصد خانوارهای روستایی هیچ عضو باسوادی ندارند، فقط ۵/۴ فرزندان ۶ تا ۱۴ ساله از تحصیل محروم‌اند. وضعیت خانوارهای روستایی در معیارهای دسترسی به برق، توالی و نوع سوخت مصرفی نسبتاً مطلوب است.

جدول ۳. مقادیر محرومیت خانوارهای روستایی (درصد)

ابعاد	معیارها	درصد محرومیت
سلامت	مرگ‌ومیر کودکان	۹/۵۹
آموزش	وضعیت سواد خانوار	۲۰/۰۴
	حضور فرزند در مدرسه	۵/۴۸
استاندارد زندگی	دارایی	۲۳/۱۰
	توالد	۲/۳۵
	سوخت مصرفی	۲/۳۲
	برق	۳/۲۶
	آب آشامیدنی	۱۲/۱۸
	سرانه اتاق	۸/۱۴
	نوع اسکلت واحد مسکونی	۲۱/۵۷

پهنه‌بندی میزان و شدت فقر چندبعدی خانوارهای روستایی در شکل ۲ نشان می‌دهد که خانوارهای مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان با فاصله بسیار زیاد محروم‌ترین خانوارهای کشور هستند. بر پایه نتایج، نیمی از خانوارهای روستایی این استان فقیرند و به‌طور میانگین در ۳۹ درصد معیارها نیز محروم‌اند. کمترین میزان فقر (H) در خانوارهای روستایی استان مازندران و بیشترین میزان فقر در استان سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی، کرمان، خراسان شمالی و هرمزگان است.

کمترین میزان شدت فقر (A) متعلق به خانوارهای روستایی استان‌های مازندران، سمنان، مرکزی و اصفهان و بیشترین شدت فقر به‌ترتیب در استان سیستان و بلوچستان، کرمان، هرمزگان، ایلام و کهگیلویه و بویراحمد مشاهده می‌شود.



شکل ۲. پهنه‌بندی میزان فقر (H) و شدت فقر (A) در مناطق روستایی (درصد - ۱۳۸۵)

برپایه تعداد فقرا و میزان محرومیت آنها، خانوارهای روستایی استان مازندران کمترین مقدار شاخص فقر چندبعدی را دارند و پس از آن به ترتیب استان‌های بوشهر، تهران، گلستان، قزوین، فارس و اصفهان قرار دارند (جدول ۴). بیشترین مقدار نیز مربوط به استان سیستان و بلوچستان است و پس از آن به ترتیب مناطق روستایی استان‌های خراسان جنوبی، کرمان و هرمزگان فقیرترین هستند.

جدول ۴. فقر چندبعدی در مناطق روستایی استان‌های کشور

استان	فقر چندبعدی	استان	فقر چندبعدی	استان	فقر چندبعدی
مازندران	۰/۰۲۷	آذربایجان شرقی	۰/۰۵۸	کهگیلویه و بویراحمد	۰/۰۷۱
بوشهر	۰/۰۳۴	یزد	۰/۰۶۱	لرستان	۰/۰۷۱
تهران	۰/۰۳۷	چهارمحال و بختیاری	۰/۰۶۲	زنجان	۰/۰۷۶
گلستان	۰/۰۴۰	گیلان	۰/۰۶۲	آذربایجان غربی	۰/۰۷۹
قزوین	۰/۰۴۱	اردبیل	۰/۰۶۴	کردستان	۰/۰۷۹
فارس	۰/۰۴۳	کرمانشاه	۰/۰۶۷	خراسان شمالی	۰/۰۸۸
اصفهان	۰/۰۴۷	قم	۰/۰۶۷	هرمزگان	۰/۱۰۵
همدان	۰/۰۵۱	مرکزی	۰/۰۶۹	کرمان	۰/۱۱۷
ایلام	۰/۰۵۴	خراسان رضوی	۰/۰۶۹	خراسان جنوبی	۰/۱۱۸
سمنان	۰/۰۵۵	خوزستان	۰/۰۷۰	سیستان و بلوچستان	۰/۱۹۷

در جدول ۵ محرومیت خام مناطق روستایی استان‌های مختلف کشور برحسب درصد نشان داده شده است.

تحلیل حساسیت مقادیر حد آستانه دوم (خط فقر)

گزینه‌های مقادیر متغیر آستانه دوم، اهمیت فراوانی در محاسبه شاخص‌های میزان و شدت فقر دارد. جدول ۶ نتایج تحلیل حساسیت تغییرات خط فقر را نسبت به حالت پایه نشان می‌دهد. در آستانه فقر ۰/۲۳، مشاهده می‌شود که ۲۱/۴ درصد خانوارهای روستایی فقیرند و میانگین محرومیت‌شان ۳۱/۵ درصد است. با ۹ درصد افزایش در خط فقر، تعداد فقرا حدود ۵۰ درصد کاهش یافته است (۱۱/۷ درصد). از سویی افزایش ۱۷ و ۳۰ درصدی در خط فقر تغییر چندانی در تعداد فقرا و شدت فقر ایجاد نمی‌کند. با در نظر گرفتن خط فقر ۰/۱۶ (۳۰ درصد کاهش)، تعداد خانوارهای فقیر روستایی به ۳۴/۳ درصد افزایش می‌یابد. هر خانوار روستایی تنها

در صورتی که در یکی از معیارهای سه‌گانه آموزش یا سلامتی یا دست‌کم در سه معیار از هفت معیار استاندارد زندگی محروم باشد، فقیر تلقی می‌شود. لازم به توضیح است که بین فواصل در نظر گرفته شده در تحلیل حساسیت، میانگین وزنی محرومیت خانوارها مقادیری نداشته است.

جدول ۵. محرومیت خام مناطق روستایی استان‌های کشور (درصد)

استان	مرگو میر	تحصیل فرزند	سواد	آب	برق	سوخت	توالد	دارایی	نوع اسکلت	سرانه اتاق
مرکزی	۷/۸	۳/۸	۲۹/۴	۳/۰	۰/۵	۰/۲	۰/۱	۲۰/۴	۳۴/۰	۲/۷
گیلان	۶/۱	۲/۷	۲۲/۵	۲۳/۰	۲/۳	۲/۰	۰/۴	۲۹/۵	۱۷/۹	۴/۱
مازندران	۵/۲	۲/۳	۱۴/۴	۷/۴	۰/۵	۱/۸	۰/۱	۱۱/۰	۱۲/۴	۱/۳
آذربایجان شرقی	۹/۳	۶/۱	۲۰/۲	۹/۲	۱/۴	۰/۹	۰/۲	۱۳/۴	۲۶/۲	۱۰/۶
آذربایجان غربی	۱۵/۲	۱۰/۷	۲۲/۱	۱۰/۹	۱/۴	۰/۴	۰/۸	۲۴/۹	۱۶/۰	۹/۸
کرمانشاه	۹/۴	۵/۸	۱۷/۰	۱۰/۳	۱/۴	۲/۰	۱/۲	۴۳/۳	۲۱/۵	۷/۱
خوزستان	۹/۸	۸/۷	۱۵/۹	۱۱/۴	۴/۲	۶/۱	۳/۰	۲۸/۳	۵/۵	۱۷/۶
فارس	۱۰/۷	۳/۶	۱۳/۴	۱۲/۴	۲/۵	۱/۶	۱/۴	۱۳/۴	۱۵/۵	۵/۹
کرمان	۶/۹	۶/۴	۲۲/۱	۲۲/۵	۱۵/۰	۴/۶	۱۳/۷	۳۲/۰	۲۵/۲	۲۰/۶
خراسان رضوی	۱۲/۶	۶/۵	۲۱/۳	۷/۴	۱/۵	۰/۳	۰/۴	۲۵/۷	۲۸/۶	۴/۱
اصفهان	۹/۳	۲/۷	۲۱/۶	۴/۷	۱/۰	۰/۶	۰/۴	۱۴/۲	۲۱/۲	۳/۲
سیستان و بلوچستان	۸/۸	۱۲/۹	۴۱/۰	۳۱/۰	۱۳/۳	۹/۸	۱۴/۸	۴۹/۳	۵۰/۴	۲۴/۶
کردستان	۱۵/۹	۸/۱	۲۰/۷	۸/۱	۰/۸	۰/۴	۰/۱	۳۱/۴	۳۲/۲	۳/۰
همدان	۹/۳	۶/۱	۱۷/۵	۶/۱	۰/۲	۰/۱	۰/۱	۲۱/۸	۲۹/۱	۵/۴
چهارمحال بختیاری	۱۰/۴	۵/۶	۱۵/۵	۶/۴	۳/۸	۹/۸	۲/۲	۲۵/۸	۱۵/۸	۹/۷
لرستان	۸/۶	۶/۳	۱۷/۵	۱۰/۵	۳/۲	۴/۸	۱/۴	۳۹/۳	۱۲/۶	۱۴/۰
ایلام	۱۱/۹	۵/۷	۱۴/۳	۶/۶	۴/۹	۳/۰	۳/۵	۲۲/۵	۵/۳	۱۳/۱
کهگیلویه و بویراحمد	۱۱/۸	۵/۰	۱۴/۴	۱۴/۴	۴/۷	۱۵/۲	۴/۴	۳۴/۲	۱۲/۲	۱۱/۲
بوشهر	۸/۲	۳/۷	۱۱/۶	۱۴/۸	۲/۰	۰/۴	۱/۳	۹/۸	۸/۵	۴/۸
زنجان	۱۴/۱	۴/۷	۱۷/۵	۸/۶	۰/۸	۰/۲	۰/۲	۲۴/۷	۵۰/۳	۷/۰
سمنان	۷/۰	۲/۳	۲۳/۳	۱۸/۳	۰/۸	۰/۱	۰/۱	۱۷/۳	۲۴/۰	۲/۸
یزد	۹/۶	۲/۵	۲۴/۲	۹/۰	۲/۱	۱/۱	۱/۰	۱۰/۸	۲۷/۴	۱/۹
هرمزگان	۱۰/۰	۶/۰	۲۲/۵	۳۰/۳	۱۰/۵	۶/۰	۱۰/۰	۲۸/۹	۱۰/۵	۱۵/۹
تهران	۶/۷	۴/۹	۱۵/۵	۹/۸	۰/۸	۰/۲	۰/۳	۱۹/۶	۵/۱	۶/۴
اردبیل	۱۴/۰	۵/۶	۱۹/۲	۱۱/۹	۱/۸	۰/۳	۰/۹	۱۲/۱	۳۱/۱	۱۰/۷
قم	۵/۹	۵/۹	۳۱/۲	۵/۱	۰/۲	۰/۹	۰/۰	۱۸/۴	۱۳/۲	۸/۴
قزوین	۷/۲	۳/۹	۱۸/۱	۳/۸	۰/۹	۰/۲	۰/۱	۱۹/۹	۱۸/۲	۲/۹
گلستان	۹/۱	۶/۴	۱۵/۲	۵/۶	۱/۴	۰/۹	۰/۷	۱۶/۸	۱۱/۱	۴/۸
خراسان شمالی	۱۴/۶	۶/۴	۲۳/۴	۱۱/۲	۱/۵	۰/۲	۰/۲	۲۶/۳	۴۶/۰	۴/۳
خراسان جنوبی	۱۲/۰	۵/۱	۳۱/۳	۲۳/۱	۷/۶	۴/۴	۳/۳	۲۳/۳	۴۸/۵	۴/۵

جدول ۶. تحلیل حساسیت مقادیر میزان و شدت فقر روستایی به‌ازای مقادیر مختلف خط فقر

تغییرات خط فقر	خط فقر	شدت فقر (A)	میزان فقر (H)
-%۳۰	۰/۱۶	۲۶/۱۵	۳۴/۳۱
-%۱۳	۰/۲	۳۱/۰۳	۲۲/۶۵
پایه	۰/۲۳	۳۱/۵۶	۲۱/۴۶
٪۹+	۰/۲۵	۳۷/۹۸	۱۱/۷۴
٪۱۷+	۰/۲۷	۳۸/۵۱	۱۱/۲۷
٪۳۰+	۰/۳	۳۸/۷۷	۱۰/۹۹
٪۴۳+	۰/۳۳	۴۴/۸۶	۶/۱۸

شناسایی عوامل تعیین‌کننده فقر

پس از تعیین شاخص ترکیبی محرومیت خانوارها و محاسبه تعداد فقرا و شدت فقرشان، به‌منظور شناسایی عوامل مؤثر بر فقر چندبعدی از مدل‌های رگرسیونی استفاده شد. انتخاب شاخص میانگین محرومیت خانوارها به‌عنوان متغیر وابسته و استفاده از مدل رگرسیون خطی نشان داد که جزء اخلاص مدل رگرسیونی دارای توزیع نرمال نیست و واریانس ناهمسانی و ضریب تعیین بسیار پایینی دارد (R^2) که دلیل اصلی آن تعداد مقادیر اندک متغیر پاسخ است. به همین دلیل، استفاده از رگرسیون خطی مناسب به‌نظر نمی‌رسید. برای رفع این مشکل از مدل‌های لاجیت دودویی و لاجیت چندگانه استفاده شد. در این حالت متغیر وابسته فقیربودن یا نبودن یا در آستانه فقر بودن به‌ازای مقادیر مختلف خط فقر در نظر گرفته شد. برای تشخیص اینکه کدام‌یک از مدل‌های رگرسیونی برآزش بهتری از سایر مدل‌ها دارند، از معیارهای AIC و BIC استفاده شد. مدلی که مقادیر AIC و BIC آن کمتر بود برای شناسایی عوامل تعیین‌کننده فقر به‌کار گرفته شد. پس از برآورد الگو براساس هر دو مدل لاجیت دودویی و چندگانه با حد آستانه‌های مختلف، لاجیت دودویی با آستانه ۰/۳ به‌عنوان مدل بهینه انتخاب شد (جدول ۷). نتایج حاصل از مدل رگرسیون لاجیت در جدول ۸ نشان داده شده‌اند.

جدول ۷. شاخص‌های تعیین مدل بهینه

معیار	لاجیت چندگانه			لاجیت دودویی		
	K= ۰/۳	K= ۰/۲۳	K= ۰/۱۶	K= ۰/۳	K= ۰/۲۳	K= ۰/۱۶
Log likelihood	-۱۰۰۶۷۹/۸۸	-۱۱۳۲۱۲/۱۱	-۱۱۴۰۳۷/۹۶	-۲۹۸۷۶/۹۷	-۴۸۱۰۰/۶۲	-۶۵۹۹۷/۴۳
Pseudo R2	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۳۰	۰/۲۹	۰/۲۸	۰/۲۲
AIC	۲۰۱۴۹۹/۸	۲۲۶۵۶۴/۲	۲۲۸۲۱۵/۹	۵۹۸۲۳/۹۴	۹۶۵۶۹/۲۵	۱۳۲۰۶۴/۹
BIC	۲۰۲۱۸۶/۱	۲۲۷۲۵۰/۵	۲۲۸۹۰۲/۲	۶۰۱۶۷/۰۹	۹۶۶۰۲/۵۹	۱۳۲۴۰۸

بر اساس داده‌های جدول ۸، جنسیت سرپرست خانوار تأثیر معناداری بر فقر خانوارهای روستایی دارد. در خانوارهای روستایی که سرپرستشان زن است درمقایسه با آنهایی که سرپرستشان مرد است، احتمال فقیربودن ۵۶ درصد بیشتر است. وضعیت زناشویی سرپرست خانوار در چهار طبقه تعریف شده است. طبقه سرپرستان طلاق گرفته به‌عنوان گروه پایه در نظر گرفته شد. فقر در خانوارهایی که سرپرست متأهل دارند درمقایسه با خانوارهایی که سرپرستشان طلاق گرفته ۴۹/۷ درصد کمتر است. بین فقر خانوارهای مشابهی که سرپرستشان فوت شده یا مجرد است و خانوارهایی که سرپرستشان طلاق گرفته است، تفاوت معناداری وجود ندارد.

به‌منظور بررسی تأثیر تحصیلات سرپرست خانوار بر فقر، سطح تحصیلات در چهار طبقه و سرپرستان بی‌سواد به‌عنوان گروه پایه و مبنای مقایسه در نظر گرفته شد. متغیر سرپرست خانوارهای روستایی با مدرک دوره ابتدایی یا راهنمایی در فقر خانوارهای روستایی معنادار نیست. اختلاف معناداری بین فقر خانوارهایی که دارای سرپرست بی‌سوادند یا مدرک ابتدایی و راهنمایی دارند، مشاهده نمی‌شود. داشتن تحصیلات دبیرستانی و دانشگاهی تأثیر زیادی بر کاهش فقر در خانوارهای روستایی دارد، به‌نحوی که احتمال فقیربودن این خانوارها درمقایسه با سرپرستان بی‌سواد به ترتیب ۸۱/۱ و ۸۷/۷ درصد کمتر است. هرچند در خانوارهایی که سرپرستشان تحصیلات دانشگاهی دارند، فقر کمتر است، اختلاف زیادی با تحصیلات دبیرستانی ندارند.

به‌منظور ارزیابی تأثیر شغل سرپرست خانوار بر فقر، انواع مشاغل در ۵ طبقه دسته‌بندی شدند و خانوارهایی که سرپرستشان در مشاغل کشاورزی، جنگل‌داری و ماهی‌گیری فعالیت می‌کند، به‌عنوان گروه پایه در نظر گرفته شدند.

جدول ۸. عوامل مؤثر بر فقر چندبعدی خانوارهای روستایی کشور

درصد	Odds Ratio	معناداری (P>Z)	آماره Z	انحراف استاندارد	ضریب	متغیر	
۵۶/۶	۱/۵	۰/۰۴	۳/۸	۰/۰۴	۰/۱۸	زن (پایه: مرد)	سرپرست خانوار
۲۵/۴	۱/۲	۰/۱	-۳/۳۲	۰/۱۳	-۰/۴۴	فوت‌شده	
-۴۹/۷	۰/۵۰	۰/۰۰	-۵/۱۹	۰/۱۳	-۰/۶۹	متاهل	
-۱/۸	۰/۹۸	۰/۹	-۰/۱۱	۰/۱۷	-۰/۰۲	مجرد	
-۲/۳	۰/۹۸	۰/۸	-۰/۱۶	۰/۱۵	-۰/۰۲	ابتدایی و راهنمایی	
-۸۱/۱	۰/۱۹	۰/۰۰	-۸/۹۷	۰/۱۹	-۱/۶۷	دبیرستان	
-۸۷/۷	۰/۱۲	۰/۰۰	-۶/۸۵	۰/۳۱	-۲/۱۰	دانشگاهی	
۵۱/۸	۱/۵۲	۰/۰۰	۱۱/۹	۰/۰۳	۰/۴۲	سن	
-۱۴/۵	۰/۸۵	۰/۰۱	۲/۵	۰/۰۶	۰/۱۶	مدیران، کارمندان و نیروهای مسلح	
-۳/۲	۰/۹۶	۰/۰۴	۱/۶۸	۰/۰۸	۰/۱۳	کارگران و کارکنان خدماتی	
-۶/۳	۰/۹	۰/۰۲	۱/۲۷	۰/۰۴	۰/۰۵	تکنیسین، صنعتگران و متصدیان	(پایه: انواع مشاغل کشاورزی)
-۴۶/۴	۰/۵	۰/۰۶	-۰/۴	۰/۰۹	-۰/۰۴	بدون شغل و بازنشسته‌ها	
۵۵/۸	۱/۵۶	۰/۰۰	۲۹/۸	۰/۰۱	۰/۴۴	تعداد فرزند	ویژگی‌های خانوار
-۴۴/۹	۰/۵۵	۰/۰۰	-۳۶/۵	۰/۰۲	-۰/۶۰	تعداد افراد باسواد	
-۱۸/۲	۰/۸	۰/۰۶	-۰/۴۹	۰/۴۱	-۰/۲۰	دین	
۴۶/۹	۱/۴۷	۰/۰۰	۸/۶۹	۰/۰۴	۰/۳۸	وجود عضو معلول در خانوار	
۶۵	۰/۳۵	۰/۰۰	-۱۱/۹	۰/۰۹	-۱/۰۵	تابعیت	
-۲/۷	۰/۹	۰/۰۵	-۰/۶۳	۰/۰۴	-۰/۰۳	تملك واحد مسكونی (پایه: عدم تملك)	زیر ساخت‌های واحد مسكونی
۳۱/۸	۱/۳۲	۰/۰۰	۵/۱۶	۰/۰۵	۰/۲۸	بهبودی‌شده	
۴۲۲/۷	۵/۲۳	۰/۰۰	۴۳/۱۵	۰/۰۴	۱/۶۵	بهبودی‌نشده	
۳۹۴/۷	۴/۹۵	۰/۰۰	۳۴/۴۸	۰/۰۵	۱/۶۰	رودخانه، برکه و سایر	
۴۲/۱	۱/۴۲	۰/۰۰	۴/۰۴	۰/۰۹	۰/۳۵	چاه جذبی	منبع آب (پایه: دسترسی به شبکه آبرسانی)
۱۰۹/۷	۲/۱۰	۰/۰۰	۷/۶	۰/۱۰	۰/۷۴	محیط اطراف	
۵۶/۸	۱/۵۶	۰/۰۰	۴/۰۷	۰/۰۱	۰/۳۸	استان‌های طبقه دوم	(پایه: استان‌های طبقه اول)
۶۵/۵	۱/۶۵	۰/۰۰	۱۳/۶	۰/۰۵	۰/۵۰	استان‌های طبقه سوم	
۲۷۴/۶	۳/۷۵	۰/۰۰	۲۱/۲۱	۰/۰۶	۱/۳۲	استان‌های طبقه چهارم	

نتایج نشان دادند فقر خانوارهای روستایی که سرپرست آنها در مشاغل قانون‌گذاری، مدیریت، امور اداری و دفتری و نیروهای مسلح فعالیت می‌کنند، در سطح اطمینان ۹۵ درصد، ۱۴ درصد کمتر از گروه پایه است.

همچنین میزان فقر خانوارهای روستایی که سرپرست آنها به‌عنوان کارکنان خدماتی، فروشندگان و کارگران ساده شاغل هستند، ۳ درصد کمتر از گروه پایه است. در خانوارهای روستایی که سرپرست آنها در گروه متخصصان، صنعت‌گران و کارکنان مشاغل مربوطه، متصدیان و مونتاژکاران ماشین‌آلات و دستگاه‌ها و رانندگان وسایل نقلیه قرار می‌گیرد، نیز احتمال فقیربودن در مقایسه با گروه پایه ۶ درصد کمتر است.

تعداد فرزند در خانوارهای روستایی در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأثیر معناداری بر فقر خانوار دارد. در خانوارهای روستایی به‌ازای افزایش یک فرزند (در سطح میانگین)، نسبت احتمال فقیربودن ۵۵ درصد بیشتر است.

تعداد افراد باسواد در خانوارها در سطح اطمینان ۹۹ درصد تأثیر معناداری بر فقر خانوار دارد. در خانوارهای روستایی به‌ازای افزایش در تعداد افراد باسواد خانوار (در سطح میانگین)، نسبت احتمال فقیربودن ۴۵ درصد کمتر است.

همچنین، وجود فرد معلول در خانوارهای روستایی بر فقر تأثیرگذار است و به‌ازای وجود یک فرد معلول در خانوار، نسبت احتمال فقیربودن $1/5$ برابر یا ۴۶ درصد بیشتر است.

نوع تابعیت خانوارها بر فقر خانوار تأثیر معنادار دارد. در خانوارهای روستایی، نسبت احتمال فقیربودن خانوارهای ایرانی در مقایسه با خانوارهای غیرایرانی، ۶۵ درصد کمتر است. نتایج پژوهش نشان می‌دهند که تملک واحدهای مسکونی خانوارهای روستایی بر فقر آنها تأثیر معناداری نمی‌گذارد. به‌منظور بررسی تأثیر منبع تأمین آب آشامیدنی خانوارهای روستایی بر فقر آنها، منبع تأمین آب آشامیدنی در ۴ طبقه و شبکه آبرسانی عمومی به‌عنوان گروه پایه در نظر گرفته شد.

براساس نتایج، میزان فقر خانوارهایی که از چاه، چشمه، قنات و آب‌انبار بهسازی‌شده استفاده می‌کنند $1/3$ برابر یا $31/8$ درصد بیشتر از خانوارهایی است که از شبکه آبرسانی عمومی استفاده می‌کنند. احتمال فقیر بودن خانوارهایی با منبع تأمین آب آشامیدنی چاه، چشمه، قنات و آب‌انبار بهسازی‌نشده و نیز رودخانه، برکه، جویبار و آب باران در مقایسه با خانوارهایی با منبع شبکه آبرسانی عمومی، به‌ترتیب $422/7$ و $394/7$ درصد بیشتر است.

برای بررسی تأثیر وضعیت دفع فاضلاب توالی واحدهای مسکونی خانوارهای روستایی بر

فقر آنها، محل دفع فاضلاب در ۳ طبقه و شبکه عمومی یا خصوصی فاضلاب به‌عنوان گروه پایه در نظر گرفته شد. براساس نتایج، خانوارهایی که فاضلاب توالیت واحد مسکونی آنها چاه جذبی است درمقایسه با خانوارهایی که از شبکه دفع فاضلاب عمومی یا خصوصی استفاده می‌کنند، ۴۲ درصد فقیرترند. همچنین میزان فقر خانوارهایی که فاضلاب واحد مسکونی خود را در محیط اطراف پخش می‌کنند، ۱۰۹ درصد بیشتر از گروه پایه است.

به‌منظور بررسی تأثیر موقعیت جغرافیایی روستاییان بر فقر آنها، با استفاده از تکنیک تحلیل خوشه‌ای، خانوارهای روستایی استان‌های کشور بر مبنای میزان و شدت فقر در چهار گروه همگن طبقه‌بندی شدند. طبقه اول یا همان گروه پایه شامل خانوارهای استان‌های مازندران، بوشهر، تهران، گلستان، قزوین و فارس است. براساس نتایج، میزان فقر خانوارهای طبقه دوم که شامل روستاییان استان‌های همدان، اصفهان، ایلام، سمنان، آذربایجان شرقی، یزد، چهارمحال و بختیاری، گیلان، اردبیل، کرمانشاه، قم، مرکزی، خراسان رضوی، خوزستان، کهگیلویه و بویراحمد، لرستان، زنجان، آذربایجان غربی، کردستان و خراسان شمالی است، ۵۶/۸ درصد بیشتر از طبقه اول است. خانوارهای روستایی استان‌های هرمزگان، کرمان و خراسان جنوبی که طبقه سوم را تشکیل می‌دهند، ۶۵ درصد فقیرتر از طبقه پایه هستند. بر اساس نتایج پژوهش، میزان فقر خانوارهای روستایی استان سیستان و بلوچستان که تنها استان جاگرفته در طبقه چهارم است، درمقایسه با خانوارهای روستایی طبقه اول، ۲۷۴/۶ درصد بیشتر است.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج پژوهش حاضر نشان دادند که ۲۱/۴۶ درصد خانوارهای روستایی از نظر شاخص تعیین‌شده در اینجا فقیر محسوب می‌شوند. شدت فقر (A) در روستاها ۳۱/۵۶ درصد و مقدار شاخص فقر چندبعدی (MPI) معادل ۰/۰۷ است. بر این اساس، بیش از یک‌پنجم خانوارهای روستایی کشور از نظر شاخص فقر چندبعدی فقیر محسوب می‌شوند و در یک‌سوم شاخص‌ها محروم‌اند، که نگران‌کننده است. بررسی عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای روستایی نشان داد که احتمال فقیربودن خانوارهایی که سرپرست بی‌سواد دارند، بیشترست. نتایج مطالعات خداداد

کاشی و همکاران (۱۳۸۱) و عرب‌مازار و حسینی‌نژاد (۱۳۸۳) نیز این موضوع را تأیید می‌کند. احتمال فقیربودن خانوارهای روستایی که سرپرستان زن است بیشتر از سایر خانوارهاست. زنان سرپرست خانواده که بدون همسرند، دچار محرومیت اجتماعی‌ای هستند که آنها را از تحصیل، کسب مهارت و فرصت‌های احتمالی اشتغال و به تبع آن قابلیت خروج از شرایط فقر محروم می‌کند. تحرک اقتصادی پایین‌تر زنان سرپرست خانواده که با انجام وظایف مادری نیز توأم می‌شود، زمینه فقیرترشدن این خانوارها را درمقایسه با خانوارهای با سرپرست مرد فراهم می‌آورد. در مطالعه یاسین و همکاران (۲۰۱۰)، مادزینگی‌را (۱۹۹۷)، علمی و علی‌تبار (۱۳۹۱)، رحیمی و محمدی (۱۳۸۶)، نجفی و شوشتریان (۱۳۸۶)، و محمدزاده و همکاران (۱۳۸۹) و بسیاری از مطالعات دیگر، زن بودن سرپرست خانوار عاملی اثرگذار بر فقر خانوارها برشمرده شده است. نتایج پژوهش حاضر نشان دادند که احتمال فقیربودن خانوارهای روستایی که سرپرست متأهل دارند، کمتر از خانوارهایی است که سرپرست مطلقه دارند. مطالعه یاسین و همکاران (۲۰۱۰) نیز این نتیجه را تعیین می‌کند.

میزان تحصیلات سرپرست خانواده نیز عاملی اثرگذار بر فقیربودن خانوارها شناخته شد. نتایج مطالعات رحیمی و محمدی (۱۳۸۶)، علمی و علی‌تبار (۱۳۹۱) و آچیا و همکاران (۲۰۰۳) نیز مؤید تأثیرپذیری فقر خانوارها از میزان تحصیلات سرپرست خانواده است. دیگر نتایج این بررسی نشان دادند که احتمال فقیربودن خانوارهای روستایی که دسترسی به شبکه عمومی آبرسانی برای آشامیدن ندارند، بیشتر از سایر خانوارهاست. در بررسی فراریا و لوگو (۲۰۱۲) و همچنین اهداف توسعه هزاره نیز بر دسترسی به آب سالم در زمان و مکان مورد نیاز تأکید شده است. احتمال فقیربودن خانوارهای روستایی که به شبکه عمومی فاضلاب دسترسی ندارند، بیشتر از خانوارهایی است که از این شبکه استفاده می‌کنند. در زمان حاضر ۷۴ درصد فاضلاب توالی واحدهای مسکونی کشور از طریق چاه جذبی دفع می‌شود و با توجه به رابطه قوی بین فقر و دفع فاضلاب ضروری است که برای استقرار و احداث سیستم‌های جمع‌آوری و بازیافت بهداشتی فاضلاب در کشور برنامه‌ریزی صورت پذیرد. فقر خانوارهای روستایی تحت تأثیر تملک واحد مسکونی نیست، چرا که در روستاها تملک محل سکونت به‌علت پایین‌بودن قیمت زمین و مسکن و همچنین محدودیت کمتر در دسترسی به زمین فراگیر است.

از دیگر عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای روستایی، موقعیت جغرافیایی خانوارها شناخته شد. بیشتر استان‌های واقع در جنوب‌شرقی کشور فقیرتر از سایر استان‌ها هستند. خداداد کاشی و همکاران (۱۳۸۱) نیز با طبقه‌بندی دیگری از استان‌ها نشان دادند که استان سیستان و بلوچستان و کهگیلویه و بویراحمد فقیرترین استان‌ها هستند، که نتیجه مطالعه حاضر را مبنی بر فقیرتر بودن استان سیستان و بلوچستان از سایر استان‌ها تأیید می‌کند. علمی و علی‌تبار (۱۳۹۱) مطرح کردند که سکونت خانوارها در شمال، شرق و غرب کشور احتمال فقیر بودن را افزایش می‌دهد، که این نتیجه مغایر با نتایج به دست آمده در پژوهش حاضر است.

با افزایش تعداد عائله و فرزند در خانوارهای روستایی، بعد خانوار و در نتیجه هزینه خانوار و احتمال فقیر بودن خانوار افزایش می‌یابد. مطالعه عمران‌ی و همکاران (۱۳۸۸)، علمی و علی‌تبار (۱۳۹۱)، آچیا و همکاران (۲۰۰۳)، هشمی و سیال (۲۰۰۸) و یاسین و همکاران (۲۰۱۰) این نتایج را تأیید می‌کنند. همچنین، با وجود یک فرد معلول یا افزایش تعداد افراد معلول در خانوارهای روستایی احتمال فقیر بودن این خانوارها بیشتر می‌شود. نوع تابعیت نیز بر فقر خانوارها اثر دارد. احتمال فقیر بودن خانوارهای ایرانی در مقایسه با خانوارهای غیر ایرانی کمتر است. از مجموع ۱/۷ میلیون نفر اتباع خارجی کشور، ۱/۴ میلیون نفر را اتباع کشور افغانستان تشکیل می‌دهند که بیشتر آنها به صورت غیرقانونی ساکن کشورند و با تحصیلات و مهارت پایین‌تر، احتمال فقیر بودنشان افزایش می‌یابد. فقر در خانوارهای روستایی که سرپرست آنها در مشاغل رسمی و قانونی فعالیت دارند کمتر از سایر مشاغل مشاهده می‌شود. احتمال فقر در خانوارهای روستایی که سرپرست آنها در مشاغل کشاورزی، جنگل‌داری و ماهی‌گیری فعالیت می‌کند، بیشتر از سایر مشاغل است. با توجه به اختصاص بخش بالایی از فعالیت مناطق روستایی کشور به شغل کشاورزی و اینکه شاغلان این بخش در مقایسه با مشاغل دیگر بیشتر در معرض فقر قرار دارند، بایستی سیاست‌ها و تمهیدات لازم برای تقویت و بهبود وضعیت این گروه اندیشیده شود.

با توجه به اینکه میزان و شدت فقر در مناطق روستایی استان سیستان و بلوچستان و استان‌های جنوب‌شرقی کشور بیش از سایر مناطق است، پیشنهاد می‌شود در تخصیص منابع و تسهیلات حمایتی در برنامه‌ریزی‌های کلان و خرد به این مناطق، توجه بیشتری صورت پذیرد. بررسی رابطه بین فقر

چندبعدی و شرایط اقلیمی و جغرافیای سیاسی این استان‌ها می‌تواند در شناسایی سایر عوامل تعیین‌کننده فقر راهگشا باشد.

منابع

- خداداد کاشی، فرهاد، باقری، فریده، حیدری، خلیل و خداداد کاشی، امید، ۱۳۸۱، اندازه‌گیری شاخص‌های فقر در ایران، کاربرد انواع خط فقر، شکاف فقر و شاخص فقر، پژوهشکده آمار، صص. ۱۴۸-۱.
- خلج، سکینه و یوسفی، علی، ۱۳۹۳، پهنه‌بندی توزیع و شدت فقر چندبعدی در مناطق شهری و روستایی ایران، فصلنامه مدرس - برنامه‌ریزی و آمایش فضا، دوره ۱۸، شماره ۴، صص. ۷۰-۴۹.
- راغفر، حسین و ابراهیمی، زهرا، ۱۳۸۶، فقر در ایران طی سال‌های ۸۳-۱۳۶۸، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۴، صص. ۸۲-۵۵.
- رحیمی، مجید و محمدی، حمید، ۱۳۸۶، شاخص فقر و تغییرات رفاهی خانوارهای روستایی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۴، صص. ۱۰۵-۱۲۳.
- طالب، مهدی، پیری، صدیقه و محمدی، سمیه، ۱۳۸۹، فراتحلیلی بر مطالعات فقر در جامعه روستایی ایران، توسعه روستایی، دوره ۲، شماره ۲، صص. ۴۰-۲۳.
- عرب‌مازار، عباس و حسینی‌نژاد، سیدمرتضی، ۱۳۸۳، عوامل مؤثر بر فقر خانوارهای شاغل روستایی در ایران، جستارهای اقتصادی، سال اول، شماره ۱، صص. ۹۱-۶۷.
- علمی، زهرا و علی‌تبار، فهیمه، ۱۳۹۱، اثر آموزش و بعد خانوار بر احتمال خروج از فقر در مناطق شهری ایران در دو سال ۱۳۸۴ و ۱۳۸۸، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، صص. ۱۴۱-۱۰۹.
- عمرانی، محمد، محمدزاده، ذکریا و ده‌مرده، مجید، ۱۳۸۸، عامل‌های تعیین‌کننده فقر و تغییرات رفاهی خانوارهای روستایی منطقه سیستان، اقتصاد کشاورزی، سال اول، شماره ۲، صص. ۴۲-۲۱.
- غروی نخجوانی، سیداحمد، ۱۳۸۴، فقر در خانوارهای ایرانی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷، صص. ۲۶-۱.
- گالبرایت، جان کنت، ۱۳۷۱، ماهیت فقر عمومی، ترجمه: عادل، محمدحسین، چاپ سوم، انتشارات اطلاعات، تهران.
- محمدزاده، پرویز، فلاحی، فیروز و حکمتی فرید، صمد، ۱۳۸۹، بررسی فقر و عوامل تعیین‌کننده آن در

- بین خانوارهای شهری کشور، تحقیقات مدل‌سازی اقتصادی، سال اول، شماره ۲، صص. ۴۱-۶۴.
- محمودی، وحید و صمیمی‌فر، سید قاسم، ۱۳۸۴، فقر قابلیت، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷، صص. ۵-۲۷.
- محمودی، وحید، ۱۳۸۱، اندازه‌گیری فقر در ایران، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲۴، صص. ۲۱-۵۷.
- مرکز آمار ایران ۱۳۹۰، نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰.
- نجفی، بهاء‌الدین و شوشتریان، آشان، ۱۳۸۶، برآورد خط فقر، اندازه فقر و بررسی تعیین‌کننده‌های آن در خانوارهای روستایی و شهری ایران، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال پانزدهم، شماره ۵۹، صص. ۱-۲۴.
- Achia, T.N.O., Wangombe, A. & Khadioli, N., 2010, **A Logistic Regression Model to Identify Key Determinants of Poverty Using Demographic and Health Survey Data**, European Journal of Social Sciences, 13(1), PP. 38-45.
- Alkire, S. & Foster, J., 2009, **Counting and Multidimensional Poverty Measurement**, Journal of Public Economics, 98(7-8), PP. 476-487.
- Alkire, S., 2007, **Choosing Dimensions: The Capability Approach and Multidimensional Poverty**, Oxford Poverty and Human Development Initiative (OPHI), No. 88, PP. 1-27.
- Alkire, S. & Santos, M.E., 2010, **Acute Multidimensional Poverty: A New Index for Developing Countries**, Human Development Research Papers, HDRP-2010-11, Human Development Report Office (HDRO), United Nations Development Programme (UNDP).
- Alkire, S., Roche, J., Santos, M.E. & Seth, S., 2011, **Multidimensional Poverty Index 2011, Brief Methodological Note**, Oxford Poverty and Human Development Initiative (OPHI), PP.1-14.
- Bourguignon, F. & Chakravarty, S., 2003, **The Measurement of Multidimensional Poverty**, Journal of Economic Inequality, 1(1), PP. 25-49.
- Coromaldi, M. & Zoli, M., 2012, **Deriving Multidimensional Poverty Indicators: Methodological Issues and an Empirical Analysis for Italy**, Social Indicators Research, springer, 107(1), PP. 37-54.
- Ferreira, F.H.G. & Lugo, M.A., 2012, **Multidimensional Poverty Analysis: Looking for a Middle Ground**, World Bank Research Observer, 28(2), PP. 220 – 235.
- Geda, A., Jong, N., Kimenyi, M.S. & Mwabu, G., 2005, **Determinants of Poverty in Kenya: A Household Level Analysis**, Working papers 2005-44, University of Connecticut, Department of Economics.

- Hashmi, A.A. & Sial, M.H., 2008, **Trends and Determinants of Rural Poverty: A Logistic Regression Analysis of Selected Districts of Punjab**, Pakistan Development Review, 47(4), PP. 909-923.
- Haughton, J. & Khandker, S.R., 2009, **Handbook on Poverty and Inequality**, World Bank, Washington DC.
- Heinemann, E. Prato, B. & Shepherd, A., 2010, **Rural Poverty Report 2011**, International Fund for Agricultural Development. Rome, Italy.
- Laderchi, C.R., Saith, R. & Stewart, F., 2003, **Does It Matter that We Don't Agree On the Definition of Poverty? A Comparison of Four Approaches**, Oxford: Queen Elizabeth House, the University of Oxford.
- Caizhen, L., 2010, **Who Is Poor in China? A Comparison of Alternative Approaches to Poverty Assessment in Rural Yunnan**, The Journal of Peasant Studies, 37(2), PP. 407-428.
- Nolan, B. & Whelan, C.T., 1996, **Resources, Deprivation and Poverty**, Oxford: Clarendon Press.
- Ravallion, M., 2011, **On Multidimensional Indices of Poverty**, Journal of Economic Inequality, 9(2), PP. 235-248.
- Sen, A., 1976, **Poverty: An Ordinal Approach to Measurement**, Econometrica, 44(2), PP. 219-231.
- Sen, A., 1999, **Commodities and Capabilities**, OUP Catalogue, Oxford University Press.
- Sen, A., 2004, **Development as Capability Expansion**, in Fukuda-Parr, S. & Shiva Kumar, A.K. (Ed.), Readings in Human Development: Concepts, Measures and Policies for a Development Paradigm, Oxford University Press, India.
- Tsui, K., 1995, **Multidimensional Generalizations of the Relative and Absolute Inequality Indices: The Atkinson-Kolm-Sen Approach**, Journal of Economic Theory, 67(1), PP. 251-265.
- Tsui, K., 2002, **Multidimensional Poverty Indices**, Social Choice and Welfare, 19 (1), PP. 69-93.
- White, H. & Booth, R., 2003, **Using Development Goals to Design Country**